فرار خودروسازان از اسقاط کردن ارابه‌های مرگ

■ **حسین فصیحی**

تولید خودروهای بی‌کیفیت معروف به ارابه‌های مرگ که سال‌های زیادی است مرگ جمعی شهروندان در جریان سوانح رانندگی را منجر شده تنها تخلف بزرگ خودروسازان داخلی نیست، بلکه آنها از عمل به وظیفه قانونی خود نسبت به اسقاط خودروهای فرسوده هم امتناع می‌کنند. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آیین‌نامه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده، خودروسازان را موظف کرده که حداقل برای ۳۰ درصد تولید ماهانه خود، گواهی اسقاط تحویل دهند که این گواهی صفر است.

موضوع ضرورت جایگزین شدن خودروهای تازه به جای خودروهای فرسوده سال‌های زیادی است که در فضای عمومی جامعه مطرح است، اما فقط در حد طرح باقی مانده، به طوری که همواره دروازه ورود خودروهای تولید شده به خیابان‌ها و جاده‌ها باز است، ولی هیچ خودرویی به صورت اسقاط از آن خارج نمی‌شود. افزایش سن فرسودگی خودروها و موتورسیلکت‌ها آسیب‌های بسیاری را متوجه جامعه کرده و هر لحظه که می‌گذرد بر دامنه آسیب‌های آن اضافه می‌شود. آلودگی هوا، افزایش سوانح رانندگی، تبدیل شدن شهرها به پارکینگ و آسیب‌هایی که به پیوست آن وجود دارد، هر روز بیشتر از گذشته گریبان شهروندان را می‌گیرد.

■ **فرار خودروسازان از تکلیف قانونی**

براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اواخر دهه ۸۰ هیئت دولت وقت با مصوب کردن «آیین‌نامه از رده خارج کردن خودروهای فرسوده»، اسقاط کردن خودرو را وظیفه خودروسازان و واردکنندگان خودرو دانست. بر همین اساس خودروسازان موظف شدند متناسب با تولید خودروی تازه بخشی از خودروهای فرسوده را از رده خارج کنند. برای واردکنندگان خودرو هم تکالیف مشابهی معین شد. مفهوم اسقاط هم به منزله اعمال تغییرات فیزیکی روی خودروی فرسوده، به صورتی که خودرو و قطعات آن غیرقابل استفاده مجدد در چرخه حمل و نقل باشد، تعریف شد. همچنین براساس این آیین‌نامه مصوب شد پس از طی مراحل اسقاط خودرو و تأیید ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت، مبلغی به‌صورت بلاعوض به مالکان خودروهای فرسوده پرداخت شود. براساس ماده ۴ این آیین‌نامه باید برای از رده خارج شدن خودروهای فرسوده عمومی هم تا پایان سال ۱۳۹۰، تسهیلات بانکی و کمک بلاعوض با رعایت میزان اعتبارات قابل تخصیص سالانه و تا سقف مبالغ اعلام شده پرداخت شود. بانک مرکزی هم موظف شد خط اعتباری لازم برای پرداخت تسهیلات را تعیین و سهم اعتباری بانک‌های عامل از این تسهیلات را به آنها ابلاغ کند. براساس ماده ۶ این آیین‌نامه، خودروسازان و موتورسیکلت‌سازان هم موظف شدند از ابتدای سال ۱۳۸۸ حداقل معادل ۳۰ درصد تولید ماهانه خود، گواهی اسقاط به ستاد تحویل دهند. همچنین خودروسازان موظف شدند هر ماه گزارش تعداد خودروهای تولید شده را همراه مشخصات خودروهای فرسوده اسقاط شده و مابه‌ازای آن به ستاد ارائه کنند. پلیس هم موظف شد گزارش خودروهای فرسوده اسقاط شده را ماهانه به ستاد ارسال کند.

■ **قانون فقط روی کاغذ**

آیین‌نامه در از رده خارج کردن خودروهای فرسوده تکلیف خودروسازان و واردکنندگان خودرو را معین کرده، اما روشن است که از رده خارج کردن خودروهای فرسوده برای آنها هزینه دارد، به همین دلیل از تمکین قانون خودداری می‌کنند. خودداری آنها از عمل به وظیفه قانونی وضعیت کنونی را شامل شده، به طوری که در طول چند دهه گذشته مدام بر آمار خودروهای فرسوده اضافه و افزایش سوانح را منجر شده است.

■ **باطل کردن حواله به جای اسقاط خودرو**

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی آمارهای ارائه شده برای خودروهای اسقاط شده را ساختگی می‌داند و معتقد است که فقط حواله‌های کاغذی آن مهر شده و خودروها در حال تردد هستند. سردار کمال هادیانفر پیش‌تر گفته بود هر ساله بین یک میلیون تا یک میلیون و ۱۰۰ هزار خودرو که عمدتاً مربوط به ایران‌خودرو و سایپاست و ۳۵۰ هزار موتورسیکلت پلاک‌گذاری می‌شوند. وی با ابراز نگرانی از وضعیت اسقاط خودروها تأکید کرد: «این مسئله یکی از موضوعاتی است که باعث شده امروز شاهد افزایش ترافیک و ایجاد تراکم در مسیرها و معابر، به‌خصوص در کلانشهرها باشیم. برای همین ورودی خودرو به ناوگان حمل و نقل عمومی کشور باز است، اما از طرف مقابل هیچ خروجی نداریم. گفته می‌شود در یک سال حدود ۶ هزار خودرو اسقاط شده است که در این باره یقین نداریم، این خودروهای از رده خارج شده به مرحله اسقاط رسیده باشد. آن چیزی که به صورت اسقاط اکنون انجام می‌شود صوری است، نه واقعی. این اسقاط‌ها واقعی نیست و روند درستی ندارد و تنها حواله باطل می‌شود.» وی با بیان اینکه چند مرکز معاینه فنی مورد تأیید راهور است، گفت: «خیلی از این مراکز مورد تأیید ما نیستند و فقط برگه صوری صادر می‌کنند.» وی درباره ناوگان حمل و نقل عمومی هم گفت: «۳۴ درصد ناوگان کشور فرسوده است و ۱۲ میلیون موتورسیکلتی که در کشور داریم، ۱۰ میلیون آن فرسوده است. بیش از ۶۰ درصد تاکسی‌ها و دیگر خودروها در شهرداری تهران فرسوده هستند و در تهران جابه‌جایی بار و

مسافر با این خودروها در حال انجام است.»

■ **عقب‌ماندگی در نوسازی خودروهای فرسوده**

رئیس پلیس ترافیک شهری فراجا هم با بیان اینکه حدود ۴۰ درصد خودروهای شماره‌گذاری شده در کشور فرسوده‌اند، تأکید کرد در زمینه اسقاط و نوسازی خودروهای فرسوده در کشور عقب‌ماندگی داریم. سردار محمدباقر سلیمی در مورد قانون هوای پاک و نقش دستگاه‌ها در اجرای این قانون گفت: «در حال حاضر در کل کشور ۲۵ میلیون انواع خودروهای پلاک‌گذاری شده وجود دارد که از این تعداد حدود ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار خودرو در مرز فرسودگی قرار دارند.» وی ادامه داد: «با محدود شدن واردات خودرو و عدم تصویب قوانین بازدارنده موضوع اسقاط خودروهای فرسوده رو به فراموشی است و با این وجود امکان اینکه بتوان جلوی تردد این خودروها را گرفت، وجود ندارد.» رئیس پلیس ترافیک شهری راهور فراجا با بیان اینکه از مجموع ۱۲ میلیون موتورسیکلت شماره‌گذاری شده در سطح کشور نیز بیش از ۹۰ درصد آنها در مرز فرسودگی قرار دارند، گفت: «به‌رغم وجود قانون هوای پاک که براساس آن دولت موظف به جایگزینی سالانه ۱۰ درصد موتورسیکلت فرسوده و اعطای وام‌های ۱۰ ساله با سود ۴ درصد بود، این مهم نیز انجام نشده است.»

سلیمی افزود: «در حال حاضر ۲۰ میلیون خودرو و موتورسیکلت فرسوده در کشور وجود دارد که اغلب مورد استفاده قشر ضعیف جامعه است و نمی‌توان انتظار داشت که پلیس در انتهای این چرخه با تردد موتورسیکلت‌ها و خودروهای فرسوده برخورد کند.» وی ادامه داد: «در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد ناوگان حمل و نقل عمومی شهرداری فرسوده است و عقب‌افتادگی وسیعی در زمینه جایگزینی ناوگان حمل و نقل عمومی وجود دارد.»

پلیس: با اغتشاشگران مماشات نمی‌کنیم

■ **غلامرضا مسکنی**

جانشین فرمانده فراجا گفت در کشور ما همه آزاد هستند و اعتراض حق مردم است، اما زمانی که این اعتراض از سوی عده‌ای تبدیل به شورش شود، خط قرمز ما است، چون ما در تأمین آرامش مردم با کسی تعارف نداریم.

سردار قاسم رضایی صبح دیروز دوشنبه ۱۸ مهرماه در چهاردهمین نشست فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که با وابستگان نظامی و افسران رابط پلیس کشورهای خارجی مستقر در تهران برگزار شد، گفت: ما در کشوری زندگی می‌کنیم که پایه آن اسلام و معنویت است، سکاندار این نظام جایگاه ولایت فقیه و برگرفته از بطن اسلام است. امروز مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا در جایگاه ولایت به عنوان جانشین امام راحل است و ما معتقد هستیم، ولی فقیه جانشین بحق امام زمان (عج) است و همه مجموعه‌های کشور تحت تابعیت این ولی فقیه است، فقیهی که زبانزد همه جهانیان است. از سوی دیگر ما امانتدار جایگاه شهدا هستیم و همیشه از آنها یاد می‌کنیم. آنها زنده هستند و ما یاد آنها را در جلسات مان زنده نگه می‌داریم و آنها را واسطه بین خودمان و خدا قرار می‌دهیم.

جانشین فراجا در ادامه با بیان اینکه هفته وحدت صرفاً بین مسلمانان نیست و بین همه ادیان است، اظهار کرد: آنچه باعث می‌شود شیطان بر آدم غلبه کند، تفرقه است. این جلسه هم جلسه وحدت تعاملی است و همه ادیان برای ما ارزشمند هستند.

■ **پلیس مهربان**

سردار رضایی با گرامیداشت هفته فراجا گفت: همانطور که اشرافیت دارید، جمهوری اسلامی ایران سه قوا دارد که شامل ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی که هر کدام وظایف مشخصی دارند، اما همه با همدیگر در راستای امنیت جامعه همپوشانی دارند. فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی تنها کشوری است که فراپلیسی عمل می‌کند؛ یعنی هم مأموریت پلیسی را انجام می‌دهد و هم مرزبانی را، از همین رو به انتظامی کشور ایران صرفاً پلیس گفته نمی‌شود.

وی با اشاره به اینکه پلیس ایران مهربان و مقتدر است، گفت: نیروهای مرزبانی ما در مقابله با تروریست‌ها و قاچاقچیان مقتدرانه و سخت برخورد می‌کند و در این راه شهدای زیادی هم داده‌ایم، اما از طرف دیگر همین نیروها زمانی که طالبان روی کار آمدند و ترددهای غیرمجاز به مرزهای شرقی زیاد شد، نیروهای مرزبانی به آنها خدمت کردند و حتی برخی از خانم‌های باردار در مرز ایران وضع حمل کردند و مرزبانان علاوه بر در اختیار قرار دادن آذوقه‌های خود، دارو و لوازم بهداشتی هم در اختیار آنها قرار دادند.

■ **شورش خط قرمز پلیس**

جانشین فراجا با تأکید بر اینکه شورش خط قرمز ما است، ادامه داد: در کشور ما همه آزاد هستند و اعتراض حق مردم است، زمانی که این اعتراض از سوی عده‌ای تبدیل به شورش شود، خط قرمز ما است چون ما در مورد آرامش مردم با کسی تعارف نداریم؛ البته در ارزیابی صورت گرفته در اغتشاشات اخیر مشخص شد تعدادی از این افراد تماشاگر و احساساتی هستند و افراد بسیار کمی هستند که مزدوری می‌کنند که در دستگیری همین مزدوران افراد مرتبط با کومله‌ها و منافقین به چشم می‌خورند، اما رسانه‌های بیگانه با توجه به امکاناتی که در اختیار دارند به گونه دیگر جلوه می‌دهند.

از طرف دیگر برخی از کشورها تحت تأثیر امریکا و صهیونیسم غاصب قرار می‌گیرند و درباره حقوق بشر در ایران سؤال می‌کنند، اما من از آنها سؤال می‌کنم چرا زمانی که پلیس امریکا زانوی خود را بر گلوی فرد سیاهپوست می‌گذارد و وی را خفه می‌کند، حرفی از حقوق بشر زده نمی‌شود؟

■ **مجروح شدن بیش از ۲ هزار نفر از نیروهای فراجا**

جانشین فراجا با اشاره به اینکه اگر پلیس ایران می‌خواست در تجمعات صرفاً نظامی عمل کند، جور دیگری رفتار می‌کرد، ادامه داد: پلیس تجمعات قانونی را حمایت می‌کند و پوشش می‌دهد، اما زمانی که از این اعتراضات سوءاستفاده شود، دیگر اعتراض نیست و اغتشاش است و ما هم طبق قانون مسئول مقابله با هنجارشکنان هستیم. در همین اغتشاشات چند روزه علاوه بر اینکه تعدادی از مأموران فراجا و بسیجیان و مردم شهید شدند، بیش از ۲ هزار نفر از نیروهای فراجا مجروح شدند.

سردار رضایی با اشاره به اینکه کشته‌سازی یکی از اصول دشمن است، گفت: وظیفه ذاتی ما در کنار و با مردم بودن است، اما اگر ناامنی ایجاد شده باید پاسخ آن داده شود. متأسفانه در این شرایط بعضی از کسانی که برای مثال در فتنه ۸۸ به کشور آسیب زدند، الان اظهار نظر می‌کنند. آیا آنها خجالت نمی‌کشند؟ البته مردم این را می‌فهمند که در این اتفاق و فتنه‌ای که رخ داد. به همین خاطر در روز رحلت و شهادت نبی اکرم شاهد حضور گسترده مردم در راستای حمایت از نظام بودیم، یکی از شعارهای بارز مردم در آن روز درود بر پلیس بود. بیش از ۶۰ درصد شعارهای مردم در حمایت از مردم و محکومیت اغتشاشات بود.

اتهام قتل به گردن برادر

■ **محبوبه قربانی**

مردی که متهم است ۱۲ سال قبل در شهرستان ورامین مرتکب قتل شده اتهام را به گردن برادرش انداخت.

۱۲ سال قبل، مأموران پلیس ورامین، بعد از تماس مرد چوپانی که برای چرای گوسفندانش به حاشیه حصارک رفته و جسد برادرزاده‌اش را کشف کرده بود، به محل حادثه اعزام شدند. چوپان گفت: «امروز طبق معمول گوسفندان را برای چرا به حاشیه‌ای در حصارک آورده بودم که دیدم جسدی خونین روی زمین افتاده است. جلوتر رفتم متوجه شدم جسد متعلق به برادرزاده‌ام هرمز است.» مرد چوپان که از شوک رنگ به صورت نداشت، گفت: «باور کنید از این حادثه هیچ اطلاعی ندارم و نمی‌دانم چه کسی یا کسانی و با چه انگیزه‌ای هرمز را کشته‌اند.»

با ثبت این توضیحات، جسد در حالی که شواهد اولیه نشان می‌داد بر اثر شکستگی جمجمه و بریدگی عمیق گلو کشته شده است به پزشکی قانونی منتقل شد.

تحقیقات در این زمینه ادامه داشت که مأموران پلیس دریافتند هرمز مدتی قبل با چند نفر از دوستانش در زمینه خرید و فروش موادمخدر فعالیت داشت. همچنین روند بررسی تماس‌های تلفنی مقتول هم نشان می‌داد او آخرین بار با مرد جوانی به نام سعید قرار ملاقات داشته است. به این ترتیب سعید به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت، اما مشخص شد به مکان نامعلومی گریخته است.

■ **بازداشت پس از ۱۱ سال**

۱۱ سال بعد از حادثه و در حالی که تحقیقات ناکام مانده بود، سعید در یکی از روستاهای گرگان دستگیر شد. متهم در بازجویی‌های اولیه مدعی شد برادرش سیاوش مرتکب قتل شده است.

با اقرارهای متهم مأموران سیاوش را که به خاطر اتهامی دیگر در یکی از زندان‌های گرگان بود، بازداشت کردند. مرد جوان در روند بازجویی‌ها به قتل هرمز با انگیزه ناموسی اعتراف کرد و گفت: «هرمز از دوستانمان بود. مدتی قبل از حادثه متوجه شدم او به زن برادرم نظر بدی دارد. چند بار تصمیم گرفتم با او صحبت کنم، اما فرصتی پیش نیامد تا وقتی فهمیدم او همسر برادرم را آزار داده‌است. این رفتار هرمز موجب شد تصمیم بگیرم او را گوشمالی بدهم و از آنجایی که می‌دانستم در کار خرید و فروش موادمخدر است، به بهانه خرید مواد با او قرار ملاقات گذاشتم. هرمز وقتی سر قرار رسید، درباره این موضوع با او صحبت کردم. او با شنیدن حرف‌هایم دستپاچه شد. می‌خواست شروع به حرف زدن کند که معلوم بود فقط قصد توجیه دارد، این شد که حالم را نفهمیدم و کنترل اعصابم را از دست دادم. سپس با چوبی که همراهم بود، به سرش زدم. با آن ضربه هرمز روی زمین افتاد. همان موقع دست به چاقو شدم و چند ضربه به بدنش زدم. درگیری ما کنار کانال آب بود. هرمز داخل آن کانال افتاد. از عصبانیت به داخل کانال رفتم و گلوی او را هم بریدم.»

متهم درباره رد تماس‌های مقتول گفت: «آخرین باری که با مقتول تماس گرفته بودم با تلفن همراه برادرم بود. به همین خاطر سعید در این سال‌ها تحت تعقیب پلیس قرار داشت. بعد از قتل، من و برادرم تصمیم گرفتیم در گرگان زندگی مخفیانه‌ای داشته باشیم، اما من چند ماه قبل به خاطر جرمی به زندان رفتم تا اینکه شنیدم برادرم دستگیر شده‌است. او را آزاد کنید، چون در این حادثه مقصر نیست. این من بودم که مقتول را کشتم.»

■ **جلسه محاکمه**

با اقرارهای متهم وی راهی زندان شد و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهم در اولین جلسه محاکمه مقابل هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه به ریاست قاضی رضایی قرار گرفت.

ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند. در ادامه متهم خلاف اظهاراتش جرمش را انکار کرد و قتل را گردن برادرش انداخت. او در دفاع از خود گفت: «روزی در خانه استراحت می‌کردم که همسر برادرم وارد خانه شد. او خیلی آشفته بود و سر و وضع نامرتبی داشت. برایم سؤال شد و کنجکاو شدم که کجا بوده‌است. او در جوابم گفت هرمز او را آزار داده‌است. با شنیدن این حرف برق از سرم پرید و نمی‌دانستم چه جوابی بدهم. فقط از او خواستم در این باره با برادرم حرفی نزند تا خودم او را ادب کنم.»

متهم در ادامه گفت: «یک ماه از این ماجرا گذشت که برادرم تماس گرفت و معلوم بود خیلی عصبانی است. از او سؤال کردم که گفت همسرش همه چیز را برایش تعریف کرده‌است. او از من هم عصبانی بود که چرا در این‌باره با او صحبتی نکرده‌ام. خواستم او را آرام کنم که گفت تصمیم دارد هرمز را گوشمالی بدهد. او خواست کنارش باشم و کمکش کنم.»

متهم درباره قتل گفت: «قبول کردم تا روز حادثه با مقتول به بهانه خرید و فروش مواد قرار ملاقات گذاشتیم. بین راه برادرم گفت می‌خواهد هرمز را ادب کند. او از قتل و ماجرای قتل حرفی نزده‌بود. باور کنید نمی‌دانستم قصد دارد هرمز را بکشد وگرنه مانع می‌شدم. بالاخره سر قرار رسیدیم. برادرم وقتی هرمز را دید، نتوانست خودش را کنترل کند. او بدون شنیدن هیچ توضیحی از مقتول با چاقو حمله کرد و چند ضربه به سینه و پهلوی او زد. هرمز داخل کانال آب افتاد. همان موقع سعید داخل کانال آب رفت و گلوی او را برید...» در پایان هیئت قضایی با توجه به دفاعیات متهم، پرونده را برای تحقیقات بیشتر به دادسرا فرستاد تا بعد از کامل شدن تحقیقات رأی را صادر کند.

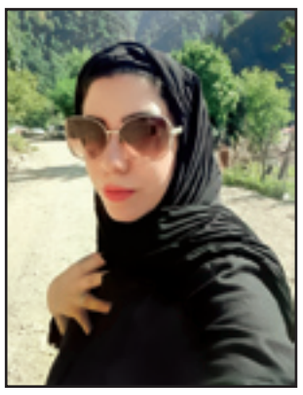

اعضای بدن خانم مهندس به چند بیمار زندگی بخشید

■ **آرمین بینا**

اعضای بدن خانم مهندس که در جریان جراحی بینی به مرگ مغزی مبتلا شده بود به بیماران نیازمند اهدا شد.

حسن حسن‌زاده، درباره اهدای اعضای بدن همسرش گفت: «همسرم محبوبه، زن مهربانی بود و من و دختر چهار ساله‌ام وابستگی شدیدی به او داشتیم، اما سهل‌انگاری تیم پزشکی کلینیکی که همسرم برای عمل جراحی بینی به آنجا رفته بود، او را از ما گرفت و همه ما را عزادار کرد. همسرم مدتی بود تصمیم داشت بینی‌اش را عمل کند و این کلینیک را خودش پیدا کرده بود و به من هم گفت که کلینیک خوبی است و عمل‌های موفق داشته است. ساعت ۷ صبح ۱۲ مهر همراه او به کلینیک رفتم و دقایقی بعد هم همسرم به اتاق عمل رفت. چند ساعتی گذشت، اما خبری از همسرم نشد تا اینکه ساعت ۱۰:۳۰ متوجه شدم پرستاران سراسیمه به اتاق عمل رفت و آمد می‌کنند. احساس کردم اتفاقی افتاده است، اما ابتدا چیزی به من نگفتند تا اینکه اعلام کردند محبوبه ایست قلبی کرده و باید او را به بیمارستان منتقل کنیم. بلافاصله با بیمارستان فرمانیه هماهنگ کردم و همسرم را به آنجا بردم، اما دیر شده بود و حال همسرم خوب نبود و بعد هم در جریان احیا دچار مرگ مغزی شد.»

■ **شکایت از کلینیک**

وی ادامه داد: «متأسفانه مسئولان کلینیک و پزشک سهل‌انگاری کردند و اگر زودتر همسرم را به بیمارستان منتقل می‌کردند شاید او الان زنده بود و بی‌تابی دخترم را که به شدت به مادرش وابسته است، نمی‌دیدم. از طرفی هم پزشک و پرستاران ادعا کردند همسرم بعد از عمل به هوش آمده، اما پس از آن حالش بد شده است در صورتی که مطمئن هستم دروغ می‌گویند، چون از آنها خواستم فیلم به هوش آمدن همسرم را به من نشان بدهند، اما می‌گویند کلینیک دوربین ندارد. کلینیک آنها هیچ امکاناتی نداشت و فقط چند تخت و یک پزشک و چند پرستار در آنجا بودند و با سهل‌انگاری همسرم را از من گرفتند. من از آنها شکایت دارم و درخواست کرده‌ام که کلینیک را پلمب کنند و اجازه کار به آنها ندهند تا بچه‌های دیگری مثل بچه من بی‌مادر نشوند.»

وی ادامه داد: «دخترم پس از این حادثه ضربه روحی شدیدی خورده و به شدت از نظر روانی آسیب دیده است و الان حتی یک لحظه هم از من جدا نمی‌شود. باید او را پیش روانپزشک ببرم و درمان کنم. همسرم زن مهربان و تحصیلکرده‌ای بود. او در کنکور دانشگاه آزاد رتبه زیر ۷۰ داشت و در رشته مهندسی فارغ‌التحصیل شده بود.»

دکتر فائزه اسلامی، پزشک هماهنگ‌کننده اهدای عضو هم گفت: «وقتی به ما خبر دادند زن جوان دچار مرگ مغزی شده‌است، به بیمارستان رفتیم و با پدر، مادر و شوهر زن فوت شده، جلسه گذاشتیم و آنها هم با روی گشاده رضایت دادند اعضای بدن دخترشان به بیماران نیازمند اهدا شود. اعضای خانواده اعلام کردند که دخترشان کارت اهدای عضو داشته و از طرفی هم دوست دارند با اهدای اعضای بدن او بیماران دیگری را از مرگ نجات دهند. آنها می‌گفتند با اهدای اعضای بدن دخترشان همیشه احساس می‌کنند که او زنده است.»

وی ادامه داد: «پس از انتقال پیکر زن جوان به بیمارستان مسیح دانشوری کلیه‌ها، کبد، پانکراس و قرنیه‌های چشمانش به بیماران نیازمند اهدا شد.»

مفقودی

برگ سبز و بیمه‌نامه خودرو سواری پراید تیپ جی‌تی‌ایکس‌آی مدل ۱۳۸۳ به رنگ نوک مدادی به شماره پلاک ایران ۴۷-۸۶۴ط۲۶ و شماره موتور ۰۰۹۲۳۵۵۱ و شماره شاسی S1412283306902 متعلق به وحید رستمی حقیقی با کد ملی ۶۱۷۹۷۹۸۶۳۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. الف ل

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص رشد پایدار ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۴۲۲۱۰ و به شماره ثبت ۴۱۳۶۴۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد. حمل و نقل داخلی و بین‌المللی جوان‌سیر ایثار به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۷۵۷۳۵ و به نمایندگی افشین رنگاور به شماره ملی ۰۰۶۳۹۰۹۰۶۵ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره جایگزین آقای مهدی آقاصادقی برای بقیه مدت تصدی انتخاب گردیدند. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران (۱۳۹۱۳۲۶)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۱۳۹۴ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمود خسروی چنار فرزند علی در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۶۸/۷۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۶۸ اصلی بخش ۹ واقع در بلوار طبرسی شمالی ۳۰ نبش مزینانی ۱۹ پلاک ۱۶۹ خریداری از مالک رسمی فاطمه حسین‌زاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۰۵
م. الف ۴۵۲ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۱۶۲۶ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم بی‌بی‌زهرا مسگر فرزند سیدابراهیم در سه‌دانگ مشاع از شش‌دانگ اعیان یک باب خانه به مساحت ۱۰۳/۲۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۷۱ اصلی بخش ۹ واقع در خیابان رسالت ۳۸ پلاک ۳۳ اعیان متعلق به خود متقاضی و عرصه موقوفه حکاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۰۵
م. الف ۴۵۰ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۱۶۲۵ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی‌اکبر استادی فرزند علی‌اصغر در سه‌دانگ مشاع از شش‌دانگ اعیان یک باب خانه به مساحت ۱۰۳/۲۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۷۱ اصلی بخش ۹ واقع در خیابان رسالت ۳۸ پلاک ۳۳ اعیان متعلق به خود متقاضی و عرصه موقوفه حکاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۰۵
م. الف ۴۴۸ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد